مهر

غم شیرین گذشته؛ روزهای دور هوای برفی و ابری

برف نو، برف کهنه

گزارش

ترانه بنی‌یعقوب
خبرنگار

روزهایی بود که با این جمله از خواب بیدار می‌شدیم «تازه برف آمده، نمی‌توانید مدرسه بروید، تعطیل شده.» این روزها برای ما قشنگ‌ترین روزهای سال بود و اگر برایتان بگویم چند بار در سال تکرار می‌شد، باور نمی‌کنید. روزهایی پرتکرار در زمستان که باورمان می‌شد زمستان طولانی‌ترین فصل سال است. در این روزهای زیبا، کفش و کلاه می‌کردیم و توی باغچه و کوچه بساط برف‌بازی راه می‌انداختیم. بعد هم که حسابی از بازی و سرمای برف خسته می‌شدیم کنار بخاری یا چراغ علاالدین یا کرسی که تقریباً توی هر خانه‌ای پیدا می‌شد، می‌نشستیم و چای داغ یا آش می‌خوردیم و بعدش هم یک خواب نیمروزی خوش زمستانی را در هوای حسابی گرفته و تیره، تجربه می‌کردیم. شاید برای همین خاطره‌های خوش است که خیلی از ما وقتی این روزها داریم یک زمستان خشک، خنک و بدون برف و باران و روزهای ابری را می‌گذرانیم، حالمان خوش نیست و مدام می‌پرسیم مگر می‌شود زمستان هم این‌جوری باشد؟ مگر می‌شود هر روز چشم باز کنیم و هوای آفتابی ببینیم، پس چه شد آن روزهای خوش گذشته؟ اینها حالا برای ما تبدیل به یک نوستالژی شده؛ یعنی همان غم شیرین گذشته. حالا بگذریم که گرمایش زمین و بلایی که خودمان سرش آورده‌ایم این روزهای دوست نداشتنی را برایمان رقم زده، همه ما کارهایی کرده‌ایم که از آن بی‌خبریم اما نتیجه‌اش از دست رفتن فصل‌های زیبای سال است؛ همان فصل‌های زرد و نارنجی و سفیدپوش که حال دلمان را هم خوب می‌کرد. حالا تماشای باریدن دانه‌های آرام و بی‌صدای برف باشکوه برای بیشترمان آرزویی دست‌نیافتنی شده است.

> گاهی اوقات برای خودم ژست زمستان می‌گیرم، می‌دانی یعنی چی؟ می‌روم برای خودم قهوه درست می‌کنم، بعد می‌آیم شومینه خانه‌ام را روشن می‌کنم تا با آرامش قهوه‌ام را بنوشم و از پنجره هوای ابری، بارانی و برفی را تماشا کنم، بعد می‌بینم فقط گرمای شومینه است که دارد خفه‌ام می‌کند، چون نه سرمایی هست نه برف و باران یا حتی هوای ابری

حال بد با هوای بد

«من بچه شمالم و به باران و دیدن روزهای ابری و گرفته عادت دارم. هر روز که در زمستان از خواب بلند می‌شوم و می‌بینم خانه‌مان بدون هرگونه وسایل گرمایشی باز هم گرم است و هوا هم درست مثل بهار است، کلافه و عصبی می‌شوم. ندیدن روزهای ابری و گرفته برایم واقعاً دردناک است، حالا بماند اینکه یک تابستان خشک و بد را هم تجربه خواهیم کرد. باور کنید بدن ما انسان‌ها هم تغییر نکردن فصل‌ها را احساس می‌کند. من از الان هیچ اشتیاقی برای بهار ندارم، چون زمستان و سرمایش را تجربه نکرده‌ام.» ناصر این حرف‌ها را می‌زند. او از همان‌هایی است که تغییر فصل‌ها بدجوری کلافه‌اش کرده. «گاهی اوقات برای خودم ژست زمستان می‌گیرم، می‌دانی یعنی چی؟ می‌روم برای خودم قهوه درست می‌کنم، بعد می‌آیم شومینه خانه‌ام را روشن می‌کنم تا با آرامش قهوه‌ام را بنوشم و از پنجره هوای ابری، بارانی و برفی را تماشا کنم، بعد می‌بینم فقط گرمای شومینه است که دارد خفه‌ام می‌کند، چون نه سرمایی هست نه برف و باران یا حتی هوای ابری. بلند می‌شوم و این بساط را جمع می‌کنم، واقعیت این است که زمستان هست، اما نیست. این هوای بد حال مرا بد می‌کند. تغییر فصل‌ها روی خلق‌وخوی انسان‌ها تأثیر دارد و بدن را برای تغییرات آماده می‌کند، نمی‌دانم چه بلایی سر کره زمین آمده.»

نازنین هم عاشق برف و زمستان است تا جایی که وقتی دید اطراف تهران کمی برف آمده، سریع خودش را رساند تا کمی زیبایی ببیند: «اطراف جاده لشکرک بچه‌ها داد می‌زدند و دنبال هم می‌دویدند. هرکس را می‌دیدی لبخند روی لبش بود، برف با خودش شادی و خوشحالی می‌آورد. کسی نمی‌تواند منکر این شود. من هم کمی در آن هوای سرد و برفی زندگی کردم و نفس کشیدم، اما واقعاً برایم دردآور است که در فصل زمستان همیشه شوفاژهای خانه‌ام خاموش است و بیرون هم که می‌روم باید کاپشن در دست قدم بزنم.»

غم شیرین گذشته

محمد یاد روزهای خوش کودکی‌اش می‌افتد: «ما کرج زندگی می‌کردیم شب که می‌خوابیدیم، نمی‌دانستیم صبح چه چیزی در انتظارمان است. صبح با ذوق و شوق می‌دویدیم جلوی پنجره برای دیدن درخت‌هایی که زیر بار برف خم شده بودند. بعد می‌رفتیم زیر همان درخت‌ها و تکان‌شان می‌دادیم و چه کیفی داشت که با آن برف سرتاپا سفیدپوش می‌شدیم. در این روزها مادرم حتماً آش رشته بار می‌گذاشت. می‌گفت می‌چسبد. لب‌هایش پر از خنده بود و از همیشه مهربان‌تر. همه زیر کرسی می‌نشستیم آش رشته با پیازداغ و سیرداغ فراوان می‌خوردیم. نمی‌دانم واقعاً چه اتفاقی افتاده که همه اینها از زندگی‌مان رفته. اینقدر سرما می‌کشیدیم که برای رسیدن بهار لحظه‌شماری می‌کردیم، اینکه می‌توانیم لباس‌های سنگین زمستانی را دوباره لای بقچه بپیچیم و تا سال بعد از آنها خداحافظی کنیم و لباس‌های سبک تن‌مان کنیم و رویش شکوفه‌ها را نظاره‌گر باشیم. می‌دانم همه اینها برای گرمایش کره زمین است، اما خیلی چیزها را از زندگیمان کم کرده، وصل شدن فصل‌ها به هم اصلاً قشنگ نیست.»

چگونه دوباره فصل‌های سال را تجربه کنیم؟

حالا اگر برایتان سؤال است که چرا این اتفاق برایمان افتاده، جوابش ساده است: گرمایش کره زمین؛ یعنی افزایش میانگین دمای سطح جهان. براساس تحقیقات دانشمندان، دمای زمین در حال حاضر نسبت به قرن نوزدهم (قبل از صنعتی شدن)، ۱٫۲ درجه سانتی‌گراد افزایش یافته و این میزان در اواسط دهه ۲۰۳۰ به ۱٫۵ درجه سانتی‌گراد می‌رسد. همچنین مقدار CO_2 هم به دلایل زیر: استفاده زیاد از نفت و گاز، جنگل‌زدایی، تولید زباله و پلاستیک، نیروگاه‌ها، حمل و نقل، مصرف‌گرایی، کشاورزی و دامداری و صید بی‌رویه. حالا شاید بگویید ما که در خیلی از اینها نقشی نداریم، اما به عنوان یک شهروند مسئول در تعدادی از آنها نقش‌مان کاملاً بارز است مثل اینکه می‌توانیم در مصرف غذا صرفه‌جویی کنیم، تا این همه زباله تولید نکنیم. تولید زباله بیشتر یعنی ما انسان‌ها کلی محصولات بسته‌بندی شده می‌خریم، گاهی وقتی همه این بسته‌ها را جدا می‌کنیم کوهی از زباله و پلاستیک تولید می‌شود. بنابراین ما بیش از هر زمان دیگری زباله تولید می‌کنیم، بسیاری از این زباله‌ها و بسته‌بندی‌ها قابل بازیافت نیستند و در محل دفن زباله‌ها جمع می‌شوند. هنگامی که زباله‌ها در محل دفن زباله شروع به تجزیه می‌کنند، گازهای مضری در جو زمین آزاد می‌کنند که گرمایش زمین را زیاد می‌کند.

همچنین می‌توانیم مصرف‌گرا نباشیم، شاید فکرش را هم نکنید که مصرف‌گرایی و مد همین که ما در طول سال چندین و چند بار هوس خرید می‌کنیم تا چه حد می‌تواند به گرم شدن کره زمین کمک کند. ما هرقدر محصولات بیشتری تولید کنیم در نتیجه زباله بیشتری تولید کرده‌ایم، حالا این زباله می‌تواند وسایل الکترونیکی یا پوشاک و کیف و کفش باشد و ما هرچقدر اینها را بیشتر تولید کنیم، بیش از هر زمان دیگری هم زباله تولید کرده و به گرمایش زمین دامن زده‌ایم. یا مثلاً اگر بتوانیم کمتر از وسایل گرمایشی و سرمایشی استفاده کنیم و از راه‌های دیگری برای هدر نرفتن گرما یا سرمای منزل استفاده کنیم، مثلاً پنجره‌های دوجداره داشته باشیم یا درزهای در و پنجره را بگیریم، از هدررفت انرژی جلوگیری کرده و به تعادل دمای زمین کمک کرده‌ایم. شاید همه اینها ساده به نظر بیاید، اما اگر کمی صرفه‌جویی کنیم و کمتر طرفدار مد و بیشتر حامی زندگی سالم باشیم و از مصرف سوخت‌های غیرضروری خودداری کنیم، شاید بتوانیم قسمتی از فصل‌های سال‌مان را پس بگیریم و دوباره گذر فصل‌ها را در زندگی‌مان حس کنیم.

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۴۴۲۰

آسان

		۱				۵	۳	
	۸		۱	۲	۶	۷		۹
			۵		۹			
۶		۹	۷	۵		۸		۴
۸								۷
۲		۷		۶	۸	۳		۱
			۹		۷			
۵		۲	۶	۱	۳		۷	
	۷	۸				۹		

متوسط

		۷		۳	۴			
	۳		۱	۶		۵	۸	
	۸							۳
	۷	۲			۱			۶
۸								۷
۱			۷			۲	۵	
۲							۹	
	۶	۴		۱	۸		۲	
			۹	۵		۶		

سخت

	۸	۵	۶					
		۴	۵	۳	۲			
۲								۱
۷	۳			۵				
		۱				۵		
				۸			۱	۲
۸								۹
			۸	۴	۵	۱		
					۷	۲	۸	

خیلی سخت

	۸		۷		۱	۳		۴
		۶					۷	۸
			۸					
				۲				۵
۷		۵				۸		۹
۳				۴				
					۹			
۵	۷					۲		
۸		۳	۲		۴		۶	

حل جدول سودوکو شماره ۴۴۲۰

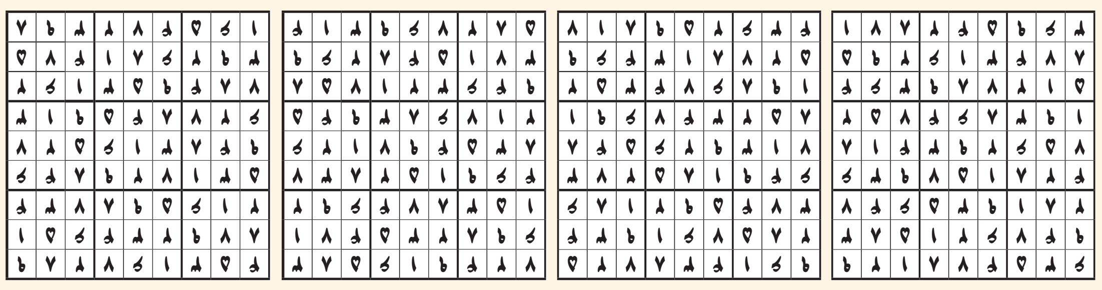

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۸۳۸۹

جدول عادی

افقی:
۱- حیوانی گربه‌سان - محدوده، نظام
۲- پدر آذری - اطمینان به کسی - عاشق و شیفته
۳- ماده مؤثر چای - نان از شب مانده - شهر «قلعه بی بی مینو»
۴- غیرایرانی - شگرد - سوغات بوشهر
۵- ماهی کنسروی - قلم‌موی درشت - هرج و مرج - اشاره بعید
۶- ضدحمله - غذای برگ مو - از مکافات عمل غافل...
۷- سبزی غده‌ای - مانند - ورزشی روی برف
۸- زحل - راندن - چک مسافرتی
۹- فسادکننده - اجاره - پایین
۱۰- واژه درد - لازم بودن - رسیدن
۱۱- پژمرده - تصنیف و ترانه - پشیمان - راست و افروخته
۱۲- متحرک - جنس به ظاهر قوی! - پیکر انسان
۱۳- جانوری که به صخره‌ها می‌چسبد - جای امن - عاقل
۱۴- دائم و همیشه - نوعی شیرینی - واحد شمردن کاغذ
۱۵- دیگ سنگی مشهد - سرمربی تیم ملی فوتبال

عمودی:
۱- جشن بعد از عروسی - مثنوی خواجوی کرمانی
۲- سد جاجرود - تب اردو - درختی از تیره مخروطیان
۳- درخشان - فرایند - ظالم
۴- شهر «ارگ شیخ بهایی» - هنر هفتم
۵- حرف همراهی - چراگاه عشایر - زیاده‌گو
۶- وحشت - قطره، جرعه - شهر مازنی - کلمه تعجب و تحسین
۷- نخی در چراغ نفتی - رانده شده - تلخ
۸- کبوتر اهلی - شهر پرتقال در استان فارس - سخنران
۹- شهر «بلژیک» - ارتفاع و درازای چیزی - بهنجار
۱۰- نام «تروهیو» ستاره‌شناس - سیب ترکی - برای تنفس لازم است - صنف و گونه
۱۱- یار صفا! - آواز - عدد خیطی!
۱۲- خوشنویس ایرانی - مشتاق
۱۳- لایه، طبقه - جمع مسأله - خوراکی شفادهنده!
۱۴- نوشته‌های آریاییان - سرزمینی بکر و گمشده در «رودسر» - پایتخت «ویتنام»
۱۵- نماد کریسمس - مختصر

جدول ویژه

افقی:
۱- مغزکامپیوتر - لفت و لعاب دادن
۲- همگانی‌تر - خرابه بجا مانده از ساختمان - کشور نیشکر
۳- روشنی - واگیر - خوراک
۴- بی‌دغدغه - از علائم ابتلا به کرونا - اثر «مریلین رابینسون»
۵- ضمیر متصل دوم شخص مفرد - جنگجو - نوعی فست‌فود - حرف ندا
۶- ترازوی سنگین - بین آرنج و شانه - قاعده
۷- شبانگاه - همراه و ثابت‌قدم - نوعی غذا
۸- در مثل آمد و نیامد دارد - نوعی کباب - دیکتاتور آلمانی
۹- دادن و گرفتنش جرم است - بهانه - نوعی مدار الکترونیکی
۱۰- ماه خارج! - پادشاهان - ماه وسط پاییز
۱۱- نیم‌صدای سگ - واحد فرکانس - زیرانداز و کف‌پوش دست‌بافت - دلربایی
۱۲- شکسته‌بند - از اعضای جفتی بدن - نوعی شیرینی
۱۳- مدد - موزه «پاریس» - دیگر
۱۴- نقدکننده - مفسر آثار ارسطو - نوعی آیینه
۱۵- از قمرهای مشتری - تورم سوسیس شکل دردناک انگشتان دست و پا

عمودی:
۱- شهر «یونان» - خطای حمل توپ در بسکتبال
۲- ملاحظه - محبوب - پیش نام مردان
۳- وسیله زورخانه - ستمگری - برنا
۴- نوعی شیرینی - همبازی «لورل»
۵- بازی کبدی - پاداش نیکی یا بدی - تربیت کننده
۶- یک دوم هر چیز - گزافه‌گو می‌زند - از فیلسوفان عصر روشنگری - نام آذری
۷- راستی خبر - صفت چای - عضو صورت
۸- گریزان - نازک - پول «انگلستان»
۹- مظهر لاغری - نام دخترانه - دربدر
۱۰- نفس سوخته‌دلان - واجب و ضروری - با «هوی» آید - حسد
۱۱- روبیان - اپلیکیشن مسیریاب - دختر
۱۲- نمایندگی - پادشاه کیانی
۱۳- پرنده‌ای خواننده - حرکتی در ژیمناستیک - نقل کننده
۱۴- پدر عرب - استخوان بندی - گلزن تیم ملی
۱۵- شهر ایالت «مریلند» - التهاب مفصل

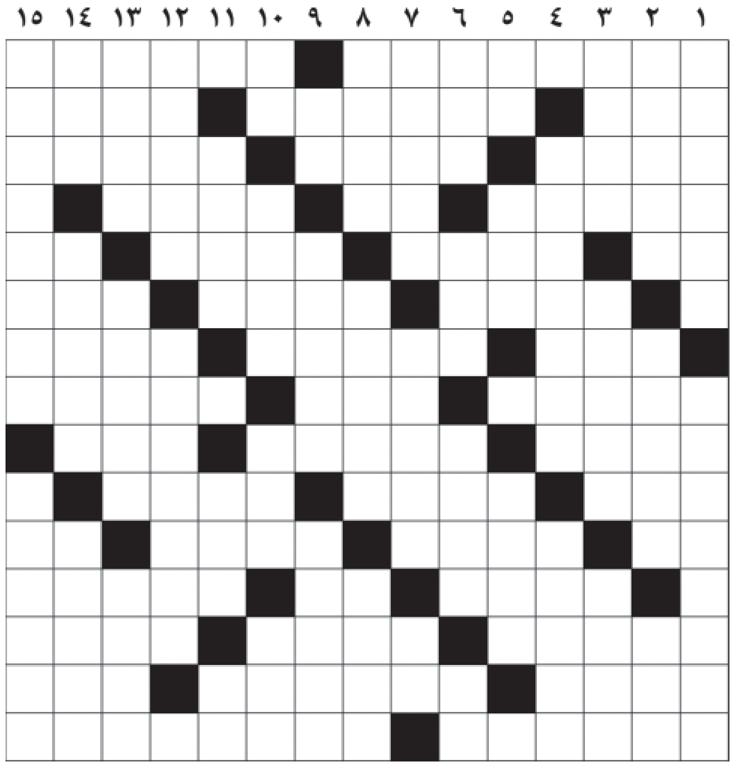

حل جدول عادی شماره ۸۳۸۸

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	پ	د	ر	ف	ل	س	ف	ه	ج	د	ی	د	■	د	ف
۲	ا	و	ن	د	■	س	ر	م	ه	■	س	ر	م	ش	ق
۳	پ	ن	ج	ا	ب	■	ا	گ	ا	ه	■	ا	ن	م	ی
۴	و	ا	ر	■	ن	ص	■	ر	ز	ر	و	■	ک	ن	د
۵	ش	ت	■	ن	ی	و	ش	ا	■	ی	ا	و	ر	■	■
۶	د	■	ه	ی	ه	ا	ت	■	ا	م	ل	ش	■	ک	ت
۷	و	ا	ن	ک	■	ب	ا	ر	ب	ن	د	■	گ	ا	ن
۸	خ	و	ر	ا	ک	■	ف	ن	ی	■	ه	ا	ش	م	ی
۹	ت	ا	ی	■	ا	ح	ت	ک	ا	ر	■	ط	ا	و	س
۱۰	ن	ر	■	ا	س	ک	ن	■	ر	ا	م	ب	د	■	ر
۱۱	■	■	ه	م	ت	ا	■	ا	ی	س	ن	ا	■	م	و
۱۲	ه	د	م	■	ن	ی	ز	ه	■	م	ت	■	ن	ا	ی
۱۳	ا	ر	ز	ن	■	ت	و	م	ن	■	ج	ا	م	ج	م
۱۴	ی	و	ن	ج	ه	■	ن	ی	س	ت	■	ز	ا	ر	ی
۱۵	ل	ن	■	س	ی	م	ا	ت	ی	ر	ا	ن	د	ا	ز

حل جدول ویژه شماره ۸۳۸۸

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	د	ر	ن	ب	ر	د	ی	م	ش	ک	و	ک	■	ن	ر
۲	ا	س	ک	ی	■	ه	ا	ن	ا	■	ل	ا	ی	ک	ا
۳	ن	ا	ت	ن	ی	■	ک	ا	ه	و	■	ک	و	ر	ه
۴	ی	ل	ه	■	ا	پ	■	م	د	ی	ر	■	ر	ه	ن
۵	ل	ت	■	س	ب	ا	ب	ه	■	ش	و	ی	ی	■	■
۶	ب	■	پ	ر	س	ن	ل	■	د	ن	ب	ه	■	ش	ا
۷	ر	ا	گ	و	■	چ	غ	ا	خ	و	ر	■	م	ا	ر
۸	و	ل	ا	د	ت	■	ا	ر	ت	■	و	س	ا	ط	ت
۹	ک	ا	ه	■	ش	ه	ر	ه	ر	ت	■	ی	ک	ر	و
۱۰	س	و	■	ص	و	ر	ی	■	ا	ص	ا	ب	ت	■	ر
۱۱	■	■	ه	د	ی	ه	■	ق	ن	د	ی	ل	■	ر	ا
۱۲	ا	ل	و	■	ش	ر	ک	ا	■	ق	ن	■	گ	و	ش
۱۳	ن	ی	ا	م	■	ی	ا	ر	ا	■	چ	ا	ل	ا	ک
۱۴	ا	س	ر	ا	ف	■	ر	و	س	ی	■	ن	ی	ن	ی
۱۵	م	ت	■	گ	ن	ب	د	ن	م	ک	ی	گ	چ	ی	ن